

بررسی ازدواج سفید از دیدگاه فقه امامیه

نسرین قبادی^۱

چکیده

ازدواج در هر ملتی متناسب با فرهنگ آن‌ها آداب خاصی دارد که با اجرای آن زن و مرد در قبال آن دارای حقوق و مسؤولیت‌ها و محدودیت‌هایی می‌شوند و براساس آن زن و شوهر می‌گردند. اسلام به عنوان کامل‌ترین دین آسمانی نیز برای امر ازدواج با واقع بینی و شناخت عمیق از انسان و نیازهای وی و خطرات و آفات آن که از این حیث در مسیر سعادت او وجود دارد احکامی قرار داده است که در فقه اسلامی بررسی و بیان می‌گردد.

ازدواج سفید نوعی رابطه عاطفی و جنسی خارج از چهارچوب ازدواج میان زن و مرد است که در فرهنگ غربی، از آن با عنوان هم‌باشی یاد می‌شود. از نظر فقه‌های شیعه، این رابطه حرام است و ازدواج شرعی محسوب نمی‌شود؛ زیرا شرایط ضروری در ازدواج مانند خواندن صیغه عقد در آن رعایت نشده و طرفین تعهدی نسبت به آثار ازدواج شرعی از قبیل ارث، نفقه و عده ندارند. به این نوع ازدواج در فقه نکاح معاطاتی گفته می‌شود. در طول تحقیق به این مسئله پرداخته شود که نکاح نیز می‌تواند بدون ایجاب و قبول لفظی انشاء گردد؟ از این رو لازم است به ارائه نظرات فقهاء و همچنین ادله نکاح معاطاتی پرداخته شود.

کلید واژه‌ها: ازدواج سفید، ایجاب و قبول، نکاح معاطاتی.

مقدمه

در فقه، موضوعی وجود دارد به اسم ایجاب و قبول که در اجرای عقود مطرح است بدین صورت که هرگاه عقدی صورت می‌پذیرد از سوی طرفین الفاظی ادا شود که دلالت کند بر اینکه طرفین قرارداد عقد مذکور را قصد نموده‌اند. اما در مورد ادای همین الفاظ در خرید و فروش و تجارت عموم فقهاء به این قائلند که رفتاری که دلالت بر انجام قرارداد داد کند و نشانه رضایت طرفین باشد کفایت می‌کند و دیگر نیازی به اجرای اللفظ مخصوص نیست. که به آن عقد معاطاتی گفته می‌شود. اما بر این اساس بحثی مطرح می‌شود که آیا

^۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله علیها)، گیلانغرب، کرمانشاه.

همین امر در عقد ازدواج نیز مطرح است؟ یعنی صرف رضایت طرفین کفایت از صیغه عقد نکاح کفایت می نماید یا خیر؟

آن امری که ضرورت بررسی نکاح معاطاتی را ایجاب می نماید رواج ازدواجی به نام ازدواج سفید یا هم باشی در بین جوانان است که بر این باورند رضایت قلبی طرفین کافی است و نیازی به اجرای صیغه عقد ازدواج چه دائم و چه موقت نیست. لذا تحقیق حاضر در پی پاسخ به سوالات مذکور تدوین گشته است و سعی بر این دارد اقوال برخی از فقهاء در خصوص صیغه عقد نکاح و همچنین ادله آن و فتاوی برخی از مراجع عظام تقلید را ارائه نماید.

تعریف نکاح

"نکاح عبارت از رابطه حقوقی است که بوسیله عقد بین مرد و زن حاصل میگردد و بآنها حق میدهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند.

تعریفی که حقوقیین جدید از نکاح مینمایند بآنکه: نکاح رابطه ایست بین زن و مرد برای تشکیل خانواده، میتواند تعریف نکاح دائم که در قوانین کشورهای دیگر شناخته شده است قرار گیرد، ولی شامل نکاح منقطع که یکی از اقسام نکاح در حقوق مدنی ایران است نمیشود، بدین جهت از تعریف مشهور صرفنظر گردید. رابطه مزبور بوسیله توافق اراده (قصد و رضا) طرفین بوجود می آید، زیرا افراد طبیعتاً در ایجاد رابطه زناشویی آزاد هستند و میتوانند برای همیشه مجرد بمانند، همچنانکه میتوانند با هر کس بخواهند زناشویی کنند. قانون رابطه مزبور را شناخته و آثار حقوقی مخصوصی از نظر اخلاقی و اجتماعی بر آن مترتب ساخته است. نکاح نیز دارای معنای دیگری است و آن عبارت است از عقدی که بوسیله آن وضعیت حقوقی مخصوصی بین زوجین (رابطه زوجیت) بوجود می آید.

نکاح در حقوق موضوعه کشوری یک عقد مدنی بشمار میرود و باعتبار جنبه عمومی که در بر دارد دست آزادی اراده تا حدودی که منافات با آن دارد کوتاه گردیده است، ولی از نظر افکار عمومی موقعیت مذهبی خود را که در ادوار متمادی دارا بوده از دست نداده است نکاح در حقوق مدنی ایران کاملاً از حقوق امامیه اقتباس شده است.^۱

معنای نکاح معاطاتی

۱. سید حسن امامی، حقوق مدنی (امامی)، ص ۲۶۸.

کسانی که قائل به بحث نکاح معاطاتی هستند، چنین می‌گویند که، نکاح معاطاتی این است که انسان با انجام عملی که بدون تحقق زوجیت جایز می‌باشد، قصد ازدواج با زنی را نماید، مثل اینکه زنی را به خانه خود بیاورد. و لذا این که بعضی، خیال کرده‌اند، نکاح معاطاتی این است که با وقاع، کسی قصد ازدواج نماید، قطعاً باطل است، زیرا جواز وقاع با هر زنی متوقف بر این است که قبلاً با او ازدواج کرده باشد.^۱

ارکان عقد ازدواج

در اسلام برای ازدواج احکامی تعلق گرفته هست که بدون آن ازدواج صورت نمی‌گیرد که یکی از احکام ازدواج مساله عقد ازدواج هست به واسطه عقد ازدواج، زن به مرد حلال می‌شود و آن بردو قسم است: دائم و غیردائم. عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود و زنی را که به این قسم عقد می‌کنند زوجه دائمه می‌گویند. و عقد غیردائم آن است که مدت زناشویی در آن معین شود، مثلاً زن را به مدت یک ساعت یا یک روز یا یک ماه یا یک سال یا بیشتر عقد نمایند و زنی را که به این قسم عقد کنند متعه و صیغه می‌نامند.

"ارکان عقد ازدواج سه چیز است:

۱. صیغه: عقد ازدواج تنها با ایجاب و قبول لفظی تحقق می‌یابد و رضایت باطنی و نیز معاطات (معاطات) در آن جاری نمی‌شود. «زوّجتک» و «انکحتک» الفاظ ایجاب است و در جواز عقد با «متّعتک»، بلکه با هر لفظی که بر مقصود دلالت کند، اختلاف است.

«قبلت التّزویج» یا «قبلت النّکاح» و مانند آن همچون «رضیت» الفاظ قبول است. بنا بر قول به مخصوص نبودن الفاظ ایجاب و قبول، هر لفظی بر ایجاب و قبول نکاح دلالت کند، برای صحّت عقد کافی است. در این که باید صیغه ایجاب از جانب زن و صیغه قبول از جانب مرد باشد یا عکس آن نیز صحیح است، اختلاف می‌باشد. عقد ازدواج با الفاظ بیع، هبه، تملیک و اجاره منعقد نمی‌شود.

شرایط معتبر در صیغه عقد (عقد) همچون ماضی بودن و عربی بودن به قول مشهور و شرایط متعاقدين همچون بالغ و عاقل بودن، در عقد نکاح نیز از آن جهت که عقد است، معتبر می‌باشد. مطابقت لفظی میان ایجاب و قبول شرط نیست. از این رو، ایجاب با لفظ «زوّجتک» و قبول با لفظ «قبلت النّکاح»، صحیح است. در صورت ناتوانی از عربی خواندن، می‌توان صیغه را به زبان‌های دیگر نیز خواند؛ هر چند - در صورت امکان

۱. سید موسی شبیری زنجانی، کتاب نکاح (زنجانی)، ص ۲۴۵۳.

برخی احتیاط را در وکیل گرفتن دانسته‌اند. در صورت ناتوانی از سخن گفتن، اشاره فهماننده مقصود، کافی است. حضور دو شاهد در عقد ازدواج شرط نیست.

همچنین مهر، شرط صحت ازدواج دائم نیست. از این رو، عقد بدون ذکر مهر صحیح است (مهر).

۲. عاقد: بلوغ و عقل در اجرا کننده صیغه عقد شرط است. بنابراین، عقد غیر بالغ خواهد برای خود یا دیگری، و نیز عقد دیوانه صحیح نیست.

۳. زوجین: زوجین در عقد ازدواج باید با اشاره یا بردن نام یا صفت، معلوم و معین باشند.^۱

احکام عقد نکاح

حضرت امام (رحمة الله علیه) در خصوص عقد نکاح می فرمایند:

"در زناشویی چه دائم و چه غیر دائم:

۱- باید صیغه خوانده شود و مجرد راضی بودن زن و مرد کافی نیست.

۲- صیغه عقد را خود زن و مرد یا دیگری به وکالت از طرف آنان می خواند.^۲

همچنین در مواردی که صیغه توسط وکیل خوانده میشود بیان می دارند که:

"۱- زن و مرد تا یقین نکنند که وکیل آنها صیغه را خوانده است، نمی توانند به یکدیگر نگاه محرمانه نمایند.

۲- گمان به این که وکیل صیغه را خوانده است کفایت نمی کند.

۳- اگر وکیل بگوید: صیغه را خوانده‌ام، کافی است.^۳

و همچنین وکالت یک نفر از طرف دو نفر و وکالت مرد از طرف زن را قبول دانسته اند:

۱. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۶۶ و ۳۶۷.

۲. سید روح الله موسوی خمینی، توضیح المسائل (امام خمینی)، ص ۴۹۷.

۳. همان، ص ۴۹۸.

۱- یک نفر می‌تواند برای خواندن صیغه عقد دائم یا غیر دائم، از طرف دو نفر وکیل شود.

۲- انسان می‌تواند از طرف زن وکیل شود و او را برای خود به طور دائم یا غیر دائم عقد کند.

۳- احتیاط مستحب آن است که عقد را دو نفر بخوانند.^۱

آیت الله سید موسوی شبیری در خصوص عقد نکاح می‌فرمایند:

"در زناشویی چه دائم و چه موقت باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد یا معاطات و کتابت کافی نیست، مگر درباره شخص لال که اگر می‌تواند بنویسد، با نوشته و اگر نمی‌تواند، با اشاره، انشاء عقد ازدواج می‌نماید و احتیاط مستحب آن است که اگر بتواند، کسی را که قادر به خواندن عقد است وکیل کند. صیغه عقد ازدواج را یا خود زن و مرد می‌خوانند یا دیگری را وکیل می‌کنند که از طرف آنان بخواند، یا ولی کسی صیغه عقد را برای او می‌خواند یا دیگری را وکیل می‌کند."^۲

همچنین ایشان در خصوص بحث وکالت در عقد بیانی دارند به این نحو که:

"وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می‌تواند برای خواندن صیغه عقد از طرف دیگری وکیل شود؛ بلکه بجهت ممیز نیز می‌تواند برای خواندن صیغه وکیل شود. زن و مرد تا اطمینان نکنند که وکیل آنها صیغه را خوانده است، یابه دلیل معتبری همچون گفتار دو شاهد عادل ثابت نشده باشد که صیغه خوانده شده، نمی‌توانند به احکام زناشویی عمل کنند، مثلاً به یکدیگر نگاه محرمانه نمایند و گمان به این که وکیل صیغه را خوانده است کفایت نمی‌کند، و اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده‌ام، بنا بر احتیاط واجب تا از گفته وی به خواندن صیغه اطمینان حاصل نشود، گفته وکیل کفایت نمی‌کند و اگر اطمینان شخصی یا نوعی حاصل شود که وکیل عقد را خوانده و شک داشته باشیم که درست خوانده یا خیر، عقد خوانده شده شرعاً صحیح به شمار می‌آید.

یک نفر می‌تواند برای خواندن صیغه عقد دائم یا موقت از طرف دو نفر وکیل شود، هر چند احتیاط مستحب آن است که عقد را دو نفر بخوانند، ولی عقد شوهر به وکالت از طرف زن و عقد زن به وکالت از

^۱ همان.

^۲ سید موسی شبیری زنجان، رساله توضیح المسائل (شبیری)، ص ۵۰۹.

بیمه. کتابت به عنوان انشاء عقد در بین عقلا متعارف است (سابقاً بوده و الان بیشتر است) اَوْقُوا بِالْعُقُودِ تمام عقودی را که انشائش با الفاظ است شامل می‌شود، و دلیلی بر منع در باب بیع هبه، وصیت و سایر معاملات نداریم، در نکاح هم باید ببینیم که دلیلی داریم یا نه.

۳- جماعتی از اصحاب در سه باب از فقه (طلاق غایب، وصیت و وکالت‌ها) تصریح کرده‌اند که انشاء بالکتابه جایز است. روایاتی در مورد وصیت داریم، به عنوان نمونه: شخصی از امام موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کرد که کسی برای ورثه خویش چیزی نوشته و وصیتی کرده است و نگفته هذا وصیتی و اصلاً انشاء لفظی نکرده است (حسن روایت این است که تصریح می‌کند که انشاء لفظی نکرده است) آیا بر ورثه او واجب است که قیام به این امر کنند؟ امام فرمود تمام آنچه در این وصیت‌نامه است باید اجرا کنند.

در باب طلاق هم روایتی معتبر است که غایب می‌تواند با کتابت طلاق دهد و حضرت چنین می‌فرمایند که: لا یكون طلاقاً حتی ینطق بلسانه او یخطه بیده.

جماعتی از علما در باب انشاء به کتابت، مخالفت کرده‌اند و تصوّرشان این است که کتابت صراحت ندارد و شبیه کنایات است و الفاظ صریح است، و این توهّم پیدا شده که کتابت از نظر انشاء کمبود دارد، یعنی در انشاء بودنش تردید کرده‌اند. این توهّم باطل است چون کتابت همان صراحت الفاظ را می‌تواند داشته باشد، چرا که امروزه عهدنامه‌ها، و قراردادهای و معاملات مهمی که انجام می‌شود تمام جزئیات را دارد و از الفاظ صریح‌تر و بهتر است و امضاء هم انشاء است و به معنی نفوذ دادن به نوشته است، بلکه اگر بنویسند و امضا نکنند چیزی نیست ولی اگر امضا کنند انشاء است.

۴- در طلاق و نکاح، بالخصوص گفته شده است که کتابت اعتباری ندارد و ادّعی اجماع کرده‌اند (که تراضی، معاطات، کتابت و اشاره کافی نیست، و چون اجماع تبعّدی است و مدرکی هم نیست، بنابراین حساب نکاح و طلاق از معاملات جداس است و شبیه عبادات و توقیفی است، به این معنی که شارع مقدّس به قدری قید و شرط به آن اضافه کرده که از معاملات خارج و مثل عبادات توقیفی شده است، پس:

أولاً: اَوْقُوا بِالْعُقُودِ ما نحن فیه را شامل نمی‌شود و نکاح از آن خارج است زیرا نکاح مانند عبادات امر تبعّدی است و دلیل نمی‌خواهد بنابراین ناچاریم به آنچه مسلّم است قناعت کنیم، یعنی عقد نکاح باید با الفاظ واقع شود نه کتابت.

ثانیاً: سلّمنا که اَوْقُوا بِالْعُقُودِ نکاح را هم شامل شود ولی در نکاحی که به کتابت انشاء شده اجماع جلوی اَوْقُوا بِالْعُقُودِ را می‌گیرد.

در حال حاضر باید مردم را وادار کرد که علاوه بر عقد لفظی عقودشان را محضری کنند، و تا عقدنامه تنظیم نشده، عقد خوانده نشود، چون بدون آن تبعات خطرناکی دارد، و از نظر قانون جرم است، از نظر عنوان ثانوی هم مشکل دارد چرا که تبعات زیادی به دنبال دارد، پس در شرایط فعلی شاید به عنوان ثانوی اکتفا به عقد لفظی خلاف شرع باشد.^۱

فتاوی برخی از مراجع عظام تقلید در مورد نکاح معاطاتی

با توجه به رواج پدیده ای به نام ازدواج سفید سوالاتی چند در این مورد از محضر مراجع عظام تقلید صورت پذیرفته است که به فتاوی هفت نفر از ایشان در اینجا اشاره می گردد.

آیت الله العظمی شبیری زنجانی

آیت الله العظمی شبیری زنجانی در ازدواج دائم و موقت خواندن صیغه را لازم می دانند و عقد ازدواج دختر را بدون اذن پدر یا جد پدری صحیح نمی دانند.

«سوال: آیا صرف رضایت دختر و پسر برای بودن با یکدیگر به مفهوم جاری شدن محرمیت و زوجیت است و یا خواندن خطبه عقد دائم یا موقت ضروری است؟ در صورتی که جاری شدن خطبه عقد ضرورت دارد آیا این ضرورت برای زوجیت دائم است یا برای زوجیت موقت نیز خواندن خطبه ضرورت دارد و رضایت قلبی مکفی نیست؟

پاسخ: فارغ از سایر شرایط، در ازدواج دائم و موقت، خواندن صیغه لازم است.

سوال: اگر دختری با پسری بدون رضایت پدر و یا بدون اطلاع پدر همبستر شده باشد و اطلاعی از اینکه باید خطبه عقد خوانده شود نداشته و یا نمی دانسته رضایت پدر واجب است آیا هم اکنون می توانند با خواندن خطبه بدون اطلاع پدر محرم شوند؟

پاسخ: خیر، بدون اجازه پدر یا جد پدری عقودشان صحیح نیست.^۲

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

^۱ همان، صص ۹۰ و ۹۱.

^۲ همان.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی صرف رضایت دختر و پسر را کافی ندانسته اند و اجرای صیغه عقد را با رعایت شرایط آن واجب دانسته اند. و از این جهت تفاوتی بین عقد دائم و موقت قائل نشده اند.

«سوال: آیا صرف رضایت دختر و پسر برای بودن با یکدیگر به مفهوم جاری شدن محرمیت و زوجیت است و یا خواندن خطبه عقد دائم یا موقت ضروری است؟

پاسخ: صرف رضایت دختر و پسر کافی نیست و اجرای صیغه عقد با رعایت شرایط آن واجب است.

سوال: در صورتی که جاری شدن خطبه عقد ضرورت دارد آیا این ضرورت برای زوجیت دائم است یا برای زوجیت موقت نیز خواندن خطبه ضرورت دارد و رضایت قلبی مکفی نیست؟

پاسخ: تفاوتی از این جهت بین عقد دائم و موقت نیست و در هر صورت اجرای صیغه لازم است.^۱

حضرت آیت الله العظمی سبحانی

حضرت آیت الله العظمی سبحانی ازدواج سفید را ازدواج معاطاتی دانسته اند و صرف رضایت دختر و پسر را کافی ندانسته اند.

«سوال: آیا صرف رضایت دختر و پسر برای بودن با یکدیگر به مفهوم جاری شدن محرمیت و زوجیت است و یا خواندن خطبه عقد دائم یا موقت ضروری است؟

جواب: ازدواج سفید همان ازدواج معاطاتی است و شرعاً کافی نیست و باید اگر باکره است با اذن پدر عقد خوانده شود و مهریه معین شود متأسفانه موضوعی که شبیه زنا رایگان است نام ازدواج به خود گرفته است.^۲

نتیجه گیری

نکاح عقدی است که با اجرای آن میان زن و مرد نسبت زوجیت برقرار می گردد و بدین صورت آنها وارد زندگی مشترک می گردند. از جمله شروط عقد نکاح اداء الفاضی است که دلالت بر قصد طرفین جهت ایجاد

^۱ همان.

^۲ همان.

این رابطه گردد. فقها اتفاق نظر دارند که در انجام عقد نکاح ایجاب و قبول لفظی لازم و ضروری است. در صورت فقدان آن عقد نکاح باطل خواهد بود که در این صورت نکاح معاطاتی نامیده می شود.

برای بطلان نکاح معاطاتی ادله ای ارائه شده است از جمله اجماع، لزوم انشاء در عقود، تمسک به مبادله معاطه، روایت صحیح و انشاء با کتابت که در طول تحقیق به آن پرداخته شد.

با توجه به رواج پدیده ای به نام ازدواج سفید و گرایش جوانان به سمت و سوی آن فتاوایی از سوی مراجع عظام صادر شده است که همگی تصریح می کنند به اینکه عقد نکاح باید با الفاظ مخصوص انجام شود و ایجاب و قبول لفظی در آن الزامی و ضروری است و بدون اجرای الفاظ مخصوص و وجود رضایت قلبی به تنهایی موجب بطلان آن می گردد.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- امامی، سید حسن، حقوق مدنی (امامی)، ج ۴، انتشارات اسلامی، تهران - ایران، ه ق، ص ۲۶۸.
- ۳- دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، صیغ العقود و الإیقات (شیخ انصاری)، مجمع اندیشه اسلامی، قم - ایران، اول، ۱۴۲۱ ه ق، ص ۲۴.
- ۴- زنجانی، سید موسی شبیری، رساله توضیح المسائل (شبیری)، انتشارات سلسبیل، قم - ایران، اول، ۱۴۳۰ ه ق، ص ۵۰۹.
- ۵- زنجانی، سید موسی شبیری، کتاب نکاح (زنجانی)، ج ۸، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ ه ق، ص ۲۴۵۳.
- ۶- طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی (طاهری)، ج ۳، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۸ ه ق.
- ۷- قزوینی، ملا علی قاریوزآبادی، صیغ العقود و الإیقات (محشی)، انتشارات شکوری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ ه ق، ص ۳۴.
- ۸- محقق داماد، مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده؛ نکاح و انحلال آن، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.

۹- مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح ، ج ۱ ، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام ، قم - ایران، اول، ۱۴۲۴ هـ.ق.

۱۰- موحدی لنکرانی، فاضل، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - النکاح (للنکرانی)، محمد، مرکز فقه الأئمة الأطهار علیهم السلام، قم.

۱۱- نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر، أنیس التجار (محشّی)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۵ هـ.ق.

۱۲- هاشمی، محمود و جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۶ هـ.ق.

۱۳- نرم افزار جامع فقه اهل بیت(علیهم السلام).

۱۴- کتابخانه دیجیتال نور، <http://www.noorlib.ir>.

۱۵- <http://www.shafaqna.com>